

علاءالدین - نکش (بیگلربیگی)

رضائیه

گوشه از تاریخ ایران

سال ۱۲۱۳ هجری قمری است. بیش از یکسالی از جلوس بابا خان با نام فتحلیشاه بر تخت سلطنت نگذشته که در همه جا مدعیان تاج و تخت از بیگانه و خویش سر به فتنه و شورش برداشته اند. جعفرقلی خان - دنبلی معروف به (باتمان قلیج) که در جسارت و بی باکی شهره و در دلیری و چالاکی بیگانه روزگار است سر از اطاعت پادشاهی برداشته با جماعتی بیحد و قیاس در حوالی خوی و سلماس کروفری مینمایند و در صدد است که در موقع ورود خاقان قاجاری به آذربایجان یورش کند و شورش افکند ...

دنباله در حوالی خوی معروف و از خاندانهای قدیمی ایران است یکی از سرداران معروف این طایفه (امیر شمس الملک) است که منار معروف شمس را درخوی از گله قوچهای وحشی که می گویند دریکهفته شخصاً شکار کرده احداث نموده که در نوع خود بی نظیر و امروزه جزو آثار باستانی محسوب است. طبق نوشته کتاب (انساب الاکراد) تألیف امام حنفیه دینوری، خاندان دنباله از اکرادند که جد بزرگ آنان امیر عیسی از احفاد برامکه و از وزرای خلفای بنی عباسی بوده است و مؤلف تاریخ (بخش فارسی) سلسله نسب این خانواده را به انوشیروان شاهنشاه دادگستر ساسانی میرساند و استاد رشید - شه مردان ایرانی هموطن فاضل زردشتی هند مسکن را عقیده بر اینست که دنبلی

در اصل (دین بهی) بوده و این طایفه تا چند سال پیش در اختفاء از آئین پیامبر ایرانی تیمارشت و خشور زردشت پیروی میکردند.

باری خبر فتنه و شورش جعفر قلیخان دنبلی در دادالخلافة تهران بسمع خاقانی میرسد و تولید اضطراب و نگرانی می نماید، فرمانی بنام حسین قلیخان بیگلربیگی افشار ارومی صادر میشود که هر چه زودتر در دفع این شر و رفع این خطر بجان بکوشد و لوازم حفظ و انتظام امور سرحداری را به نحو مطلوب انجام داده و در اعاده نظم و امنیت سعی وافیه و اهتمام کافی مبذول دارد. بدستور بیگلربیگی افشار، ایل والوسی از ارومی و سلاوسی در میدان ارك جمع میشوند و در اندک زمانی با تدارکات کافی بنه و اساس می بندد و رو به سلماس براه می افتند. در دیار (چملی بیل) که زمانی محل استقرار (کور اغلی) قهرمان قهرمانان آذربایجان بوده تلافی فرقتین رخ میدهد و نایره جنگ شدت شعله ور میگردد جنگ بمدت دو روز و دو شب بطول می انجامد و از طرفین تعداد کثیری مقتول و مجروح و مضروب میشوند. سرانجام غازیان افشاری عرصه را بر سواران و پیادگان دنابله تنگ کرده و در آن جنگ لوای فتح و پیروزی می افزایند. سپاهیان دنبلی بهزیمت میروند و خود جعفر قلیخان با تعدادی از خاصان پای از آن معرکه و گیرودار بیرون می کشد و تا ماکو از مرکب خود عنان نمی گیرد، تا در جنگ ایران و روس مورد عفو و اغماض سلطانی قرار میگیرد و در جزو سپاهیان مرحوم عباس میرزا نایب السلطنه مستقر و آماده بکار میگردد...

اینک متن فرمانی است که بعد از اختتام این جنگ خانمانسوز خانگی و اعاده امنیت و آسایش و انتظام امور این بخش از ایران عزیز به (حسین -

قلیخان بیگلربیگی افشار ارومی) در قبال ارسال هجده نیزه سر از سران دنبلی بدرگاه شوکت پرور (۱) شرف صدور یافته است. حال توجه خوانندگان گرامی را به منظره مشوم و هول انگیز این سرهای بریده که در این عصر و زمان خالی از اعجاب و شگفتی نیست جلب مینماید!

گرفت خانم شاهی ز قدرت ازلی

قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

و آنکه عالیجاه رفیع جایگاه دولت و اقبال پناه فخامت و نبالت اکنسناه جلالت و ایالت دستگاه اخلاص و ارادت آگاه امیرالامراء الغظام حسینغلی خن افشار بیگلربیگی ارومی به عنایت بی قیاس سلطانی سرافراز بوده بداند که عریفة الاخلاص که ایفاد در بارگیتی مدار نموده بود بنظر مقربان حضور با هرالنور رسید و مضمون ارادت نمون آرد معروض رأی مملکت آراء گردید در باب آمدن طایفه چکاری و سایر آدمهای جعفرقلی دنبلی ریز ارومی و مجادله و مقاتله آن عالیجاه با ایشان و فرار نمودن آنها و فرستادن هیجده سر نیزه سر بدرگاه شوکت پرور که عرض نموده بود مراتب دولتخواهی و کاردانی و ظاهر و موجب ازدیاد عنایات خدیوانه در باره آن اقبال پناه گردید بارک الله روی آن عالیجاه سفید این مطلب کمال وضوح دارد که آن عالیجاه رفیع جایگاه و دولت و اقبال پناه امیرالامراء العظام ابراهیم خان قاجار را که از دربار معدلت مدار بفرستادری آذربایجان مأمور و روانه آن حدود و ثغور فرموده ایم البته الی حال بآن صفحات رسیده و دفع مواد فساداشرار و مفسدین شده و خواهد بود، میباید از قراری بآن عالیجاه حکم و مقرر

شده بود جمعیت افشار را با سر کرده معقولی روانهٔ نزد عالیجاه برادر مشار-
 الیه نموده و در تقدیم و تمشیت خدمات مقررہ پردازند و در وصول و ایصال
 وجوهات دیوانی و سایر خدمات مرجوعه لوازم اهتمام بعمل آورده حسن-
 خدمتگزاری خود را ظاهر سازد و همواره توجهات شاهانه را شاهد احوال
 خود دانسته مطالب و مستدعیات خود را عرض و در عهده شناسند .

شهر رجب المرجب سنهٔ ۱۲۱۳

اغلاط در اعصار

پس از دوران اساتید سخن باستان غلط سرائی در زبان فارسی
 آغاز گردید و نخست در دوران سلسلهٔ صفویه شعرا و دبیران و
 نویسندگان تعبیّرات زشت و خلاف اصلی چند و محدود در زبان
 ایجاد کردند . از جمله اغلاط آن عصر یکی جمع بستن کلمات
 فارسی است با الف و تا مانند ده که برد هات جمع بسته اند و در
 نثرهای آن زمان گاهی دیده میشود و نیز افزودن کلمهٔ جات بر کلمات
 بجای علامت جمع که هنوز هم در زبان عوام برقرار است و
 میگویند سبزیجات و کارخانجات و بسا اغلاط دیگر که بشرح زیر
 بیان میگردد . (نقل از دوره‌های پیشین ارمغان)